با گناهان

چگونه مبارزه کنیم؟

**تألیف:**

**حامد بن محمد المصلح**

**ترجمه:**

**عبدالرحیم هاشم زهی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | با گناهان چگونه مبارزه کنیم؟ |
| **تألیف:** | حامد بن محمد المصلح |
| **ترجمه:** | عبدالرحیم هاشم زهی |
| **موضوع:** | مواعظ و حکمت‌ها |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[سخنی از مترجم 5](#_Toc392101129)

[مقدمه‌ی مؤلف 7](#_Toc392101130)

[ده عامل مهم بخشش گناهان 9](#_Toc392101131)

[1- توبه 11](#_Toc392101132)

[2- استغفار 14](#_Toc392101133)

[3- اعمال صالح 17](#_Toc392101134)

[[الف- فرائض و نوافل] 18](#_Toc392101135)

[1- وضو 19](#_Toc392101136)

[2- اذان 20](#_Toc392101137)

[3- رفتن به نماز 22](#_Toc392101138)

[4- فضیلت نمازهای پنجگانه 23](#_Toc392101139)

[5- فضیلت نماز جمعه 24](#_Toc392101140)

[الف: فضیلت آمین 25](#_Toc392101141)

[ب: فضیلت برخواستن از رکوع 26](#_Toc392101142)

[ج: فضیلت سجده 26](#_Toc392101143)

[د: نماز تهجد 27](#_Toc392101144)

[ﻫ: نماز توبه 28](#_Toc392101145)

[و: نماز در بیت المقدس 28](#_Toc392101146)

[ز: فضیلت درود و سلام بر پیامبر ص 29](#_Toc392101147)

[6- فضیلت صدقه 29](#_Toc392101148)

[7- فضیلت روزه 30](#_Toc392101149)

[8- فضیلت حج و عمره 32](#_Toc392101150)

[أ- طواف بیت الله 33](#_Toc392101151)

[ب- فضیلت لمس حجراسود و رکن یمانی 33](#_Toc392101152)

[ج- فضیلت روز عرفه 33](#_Toc392101153)

[9- فضیلت کسب علم و امر به معروف و نهی از منکر 33](#_Toc392101154)

[10- فضیلت جهاد 34](#_Toc392101155)

[11- فضیلت نیکویی به پدر و مادر و احسان به یتیمان 36](#_Toc392101156)

[12- کنارزدن موذی از راه 36](#_Toc392101157)

[ب- ذکر خداوند متعال 37](#_Toc392101158)

[الف- فضیلت لا إله إلا الله 37](#_Toc392101159)

[ب- تلاوت قرآن مجید 38](#_Toc392101160)

[13- ساختن مساجد 39](#_Toc392101161)

[14- محبت بخاطر خداوند 39](#_Toc392101162)

[15- مرگ کودکان 40](#_Toc392101163)

[16- احسان به حیوانات سودمند 40](#_Toc392101164)

[17- فضیلت مصافحه 41](#_Toc392101165)

[18- ضرر کینه‌توزی 41](#_Toc392101166)

[19- دعای بازار 42](#_Toc392101167)

[20- دعای غذا و آب 42](#_Toc392101168)

[4- دعا و استغفار مؤمنان 43](#_Toc392101169)

[5- ایصال ثواب 45](#_Toc392101170)

[6- شفاعت حضرت محمد ص 47](#_Toc392101171)

[7- مصائب و مشکلات در دنیا 52](#_Toc392101172)

[8- بیهوشی در عالم برزخ 56](#_Toc392101173)

[9- عذاب و شکنجه در میدان محشر 58](#_Toc392101174)

[10- رحمت خداوند مهربان 60](#_Toc392101175)

سخنی از مترجم

الحمد لله العزيز الغفّار والصلاة والسلام على نبي الرحمة الـمبشر بالتوبة والاستغفار وعلى آله وأصحابه الذين يعملون الصالحات وكانوا مستغفرين بالأسحار والذاكرين الله بالعشي والإبكار وعلى من تبعهم بإحسان إلى يوم القرار.

اما بعد! در آغاز از آفرینش حضرت آدم ، فرشتگان در محضر خداوند متعال گفتند: آیا بر کره زمین انسان را خلیفه و جانشین قرار می‌دهی که برآن فساد، قتل و غارت را گسترش دهد؟

خداوند فرمود:

﴿إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ﴾ [البقرة: 30].

«آنچه را می‌دانم شما نمی‌دانید».

و آنگاه انسان را که دارای سرشتی مرکب از گناه و طاعت بود به خلافت برگزید.

و راه خیر و شر هردو را در اختیارش قرار داد تا بکارگیری نیروی عقلانی، در روشنی وحی، بر دشمنان چون نفس، شیطان و دنیا، فائق گردد و با داشتن داعیه گناه، در طاعت و بندگی مشغول شود و بر فرشتگان که استعداد معصیت را ندارند افضلیت و برتری خویش را نسبت به جانشینی ثابت گرداند.

ولی چون فطرت انسان آمیخته با گناه و لغزشات بود و هرآن بیم ارتکاب گناه می‌رفت خداوند متعال اسباب و عواملی برای مبارزه با گناهان را در اختیارش نهاد که با استفاده از این عوامل و اسباب گناهان را خنثی کند و حق خلافت را بجا آورد و خویشتن را به مقام برتر کرامت انسانی و قرب خداوند برساند.

و بنده در این مورد رساله «الـمکفرات العشر» نوشته شیخ حامد بن محمد المصلح که یکی از داعیان مکتبة الدعوة والإرشاد مکة المکرمة است به فارسی ترجمه نمودم و امیدوارم که در بارگاه خداوند منان شرف قبولیت را حاصل کند و هو ولی التوفیق. و از برادرانی که در این مورد با بنده همکاری داشتند کمال تشکر را دارم و از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود که اگر چنانچه در ترجمه با خطاء و اشتباهی مواجه شدند مترجم را به حکم، الدین النصیحة اطلاع دهند.

وما توفيقي إلا بالله عليه توكلت وإليه أنيب وصلى الله تعالى على خير خلقه ومحمد وآله وصحبه أجمعين آمين.

عبدالرحیم هاشم زهی

از

حوزه علمیه عین العلوم گشت – سراوان

مقدمه‌ی مؤلف

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا، ومن يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان وسلم تسليماً.

خداوند متعال بنابر فلسفه و حکمتی، انسان را میان دشمنانی چون نفس و خواهشات آن، شیطان و دنیا قرار داده، اما به لطف و کرم خویش انسان مسلمان را در مصاف با این دشمنان، بدون سلاح رها نکرده است. و از آنجا که خطا و لغزش از سرشت بنی آدم است برای زدودن آثار شوم گناهان اعم از گناهان صغیره و کبیره، عمدی و غیر عمدی کفاره‌هایی قرار داده است.

و از حضرت ابوهریره روایت شده است که حضرت پیامبر اکرم ص فرمودند: سوگند به آن ذاتی که جان من در دست اوست، اگر شما گناه نکنید خداوند شما را از دنیا برمی‌دارد و قومی دیگر را جایگزین می‌کند گناه می‌کنند و از خداوند طلب مغفرت می‌نمایند و خداوند آنها را می‌بخشد([[1]](#footnote-1)).

پس خداوند با توبه و استغفار و اعمال صالح گناهان‌شان را می‌آمرزد. و مسلماً هر انسان مسلمان آرزومند است که هنگام رفتن از این دنیا با خداوند متعال آنچنان ملاقات کند که از او خشنود و راضی باشد و بر او گناهی نباشد.

و این رساله نیز مشتمل بر اسباب و عواملی است که انشاء الله سبب نابودی گناهان می‌شوند.

و خداوند بنابر لطف و کرم خویش بر بندگانش عواملی مقرر ساخته که بدی‌هایشان را می‌زداید و خداوند بدان وسیله گناهان‌شان را می‌آمرزد.

آنچنان که خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ٨٢﴾ [طه: 82].

«من بسیار آمرزنده‌ام کسانی را که توبه کنند و ایمان و عمل صالح انجام دهند و سپس هدایت شوند».

بنده به توفیق خداوند در این رساله آیات و احادیث صحیح و ثابت از پیامبر ص را در این موضوع جمع‌آوری و سعی برآن داشتم جز احادیث صحیح و ثابت چیزی دیگر ننویسم، زیرا بیشتر تصنیفات در این مورد از احادیث ضعیف و واهی خالی نیست، پس آن را به صورت مختصر و کامل جمع‌آوری کردم تا راه بر پویندگان واقعی آسان شود و امید است که خداوند، خوانندگان و شنوندگان را از آن بهره‌مند سازد و از خداوند متعال خواهانم که آن را خالصانه برای خویش قرار دهد و او بهترین مسؤل است.

وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان.

حامد بن محمد المصلح

داعی مکتبة الدعوة والإرشاد مکة الـمکرمة

ده عامل مهم بخشش گناهان

خداوند سبحان در قرآن مجید برای از بین‌بردن معاصی به اسبابی اشاره کرده‌اند که:

﴿إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ﴾ [هود: 114].

«بی‌گمان نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند».

و نیز حضرت پیامبر ص آن اسباب را با وضاحت بیان نموده‌اند که بحثش خواهد آمد.

«امام ابن تیمیه / می‌گوید: هرگاه مؤمن مرتکب معصیتی شود با ده عامل، گناهان او بخشوده می‌شوند».

که عبارتند از:

1. توبه
2. استغفار
3. اعمال صالح
4. دعای برادر مسلمان
5. ایصال ثواب توسط مؤمنان
6. شفاعت پیامبر ص
7. مصائب و مشکلات در دنیا
8. بیهوشی عالم برزخ
9. عذاب و شکنجه میدان حشر
10. رحمت خداوند مهربان

پس اگر شخصی این ده عامل شامل حالش نشد غیر از خویش کسی را سرزنش و ملامت نکند.

چنانکه خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: ای بندگانم! این اعمال شماست که برایتان برمی‌شمارم و شما را بنابرآن پاداش کامل می‌دهم، و اگر کسی پاداش نیک دریافت کرد، سپاس خداوند را بجا آورد و اگر شخصی جز آن را یافت غیر از خویش کسی را ملامت نکند([[2]](#footnote-2)).

شیخ الإسلام / با معرفی این ده عامل برای نابودی گناهان بر مسلمانان احسان بسیاری بزرگی نمودند.

برادر و خواهر مسلمان، هم اکنون این ده عامل با دلیل از قرآن و سنت در اختیار شما قرار می‌گیرد و از خداوند متعال التماس دارم که این عمل را خالصانه برای خودش قرار دهد و نویسنده، خواننده و شنونده‌اش را از آن بهره‌مند گرداند.

1- توبه

آن توبه‌ای که خداوند آن را بپذیرد، زیرا کسی که از گناهان توبه کند مانند شخصی است که هرگز مرتکب گناهی نشده است و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمۡ سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ وَيُدۡخِلَكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ﴾ [التحریم: 8]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! توبه کنید، توبه خالصی؛ امید است با این کار پروردگار گناهان‌تان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند».

پس در این آیه بیان شد که توبه سببی برای ورود به بهشت است، زیرا توبه مهمترین عامل بخشش و تبدیل گناهان به نیکی است که خداوند می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٧٠﴾ [الفرقان: 70]. «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد که خداوند گناهان این گروه را به حسنات تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است».

بنابراین، اگر شخصی ایمان بیاورد، و اعمال صالح انجام دهد و صادقانه با نیتی پاک توبه کند پروردگار توبه‌اش را می‌پذیرد، آنچنان که فرموده است: ﴿لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ١١٧ وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١١٨﴾ [التوبة: 117-118].

«خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار که در زمان عسرت و شدت (جنگ تبوک) از او پیروی کردند نمود، پس از آن که نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها از حق منحرف شود، سپس خدا توبه آنها را پذیرفت که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است، همچنین آن سه نفر که (در مدنیه) باز ماندند، تا آن حد که زمین با همه وسعتش برآنها تنگ شد و (حتی) جایی در وجود خویش برای خود نمی‌یافتند و دانستند که پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست، در آن هنگام خدا آنان را مشغول رحمت خود ساخت و خداوند توبه آنها را پذیرفت که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است».

خداوند متعال پس از این کوشش جانکاه و مبارزه طاقت‌فرسای آنان توبه‌شان را پذیرفت.

و بلکه خداوند متعال بر توبه بنده‌اش بسیار خوشحال می‌شود، چنانچه حضرت انس در حدیثی از حضرت پیامبر ص روایت می‌کند که ایشان فرود: همانا خداوند خوشحال‌تر می‌شود به توبه بنده اش، آنگاه که توبه کند یکی از شما که در بیابانی بر شترش سوار بوده که ناگهان شتر از دستش فرار کند، در حالی که آذوقه‌اش بر سر آن است، و چون از یافتن شتر مأیوس شود با ناامیدی آمده و در سایه درختی به پهلو دراز کشیده در این هنگام ناگهان متوجه می‌شود که شتر در کنارش ایستاده که فوراً مهارش را بدست می‌گیرد و از فرط خوشحالی می‌گوید: خدایا تو بنده من هستی، و من خدای تو ام! و از شادی بی‌حد الفاظ را اشتباه تلفظ می‌کند([[3]](#footnote-3)).

ابن قیم / می‌گوید: کدام شادمانی با این برابری می‌کند؟ و اگر خوشی برتر از آن در عالم هستی وجود می‌داشت حضرت پیامبر ص به آن مثال می‌زدند.

بنابراین، شادمانی خداوند به توبه بنده اش، برتر از خوشحالی آن شخص از یافتن سواری‌اش است([[4]](#footnote-4)).

2- استغفار

همانا طلب آمرزش از خداوند بی‌همتا عاملی برای بخشش گناهان است.

آنچنان که خداوند متعال قول حضرت نوح را بیان می‌کند:

﴿فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ١٠﴾ [نوح: 10].

«به آنها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است».

و خداوند می‌گوید:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥﴾ [آل‌عمران: 135].

«و آنها هنگامی که مرتکب عمل زشت شوند یا به خود ستم کنند به یاد خدا می‌افتند و بر گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند و کیست جز خداوند که گناهان را ببخشد و اصرار بر گناه نمی‌کنند با این که می‌دانند».

و حضرت عبدالله بن عمر ب روایتی نقل می‌کند که حضرت ابوبکر صدیق به حضرت پیامبر ص گفت: یا رسول الله! مرا دعایی بیاموزید که آن را در نماز بخوانم، پیامبر ص فرمود: بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى ظُلْمًا كَثِيرًا وَلاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِى مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِى إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». «خداوندا! همانا من بر خویشتن بی‌حد ستم کرده‌ام و گناهان را جز ذات یگانه‌ات احدی نمی‌بخشد، پس مرا مورد آمرزش خویش قرار و رحمتت را شامل حال من بگردان، همانا تو بخشنده و مهربانی هستی»([[5]](#footnote-5)).

و نیز آنچنان که در حدیثی از حضرت عبدالله بن معسود روایت است که پیامبر ص فرمود: هرکسی سه مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِى لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَىَّ الْقَيُّومَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید، تمام گناهانش معاف می‌شود، اگرچه از جنگ (جهاد) نیز فرار کرده باشد([[6]](#footnote-6)).

و در حدیث حضرت شداد بن اوس وارد است که حضرت پیامبر ص فرمود: سیدالاستغفار آنست که شخصی بگوید:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّى لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ خَلَقْتَنِى وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلىَّ وَأَبُوءُ بِذَنْبِى فَاغْفِرْ لِي فِإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ».

و هرکسی این استغفار را هنگام صبح و یا غروب بخوان و در آن روز یا شب بمیرد وارد بهشت می‌شود([[7]](#footnote-7)).

و این حدیث شامل چندین مطلب است:

1. ستایش خداوند متعال چنانکه مناسب ذات اقدس اوست.
2. اقرار به توحید در عبادت.
3. اعتراف به نعمت‌های بی‌شمار خداوند.
4. اعتراف به گناه و کوتاهی.
5. طلب آمرزش از خداوند که غیر از او خواسته نمی‌شود.

3- اعمال صالح

آنچنان اعمال شایسته‌ای انجام دهد که گناهان را محو کند، زیرا نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند.

و خداوند متعال فرموه است:

﴿إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِۚ ذَٰلِكَ ذِكۡرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ﴾ [هود: 114].

«همانا نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند و این پندی است برای کسانی که پند را می‌پذیرند».

حافظ ابن کثیر / گفته است که: کارهای خیر گناهان گذشته را نابود می‌کنند([[8]](#footnote-8)).

و این مطلب را حدیث حضرت ابوذر به روشنی بیان می‌کند که حضرت پیامبر ص فرمودند: «اَتْبِعِ السَّيِّئَةَ بِالْحَسَنَةِ تَمْحُهَا». «پس از هر بدی عمل نیکی انجام ده که آن را نابود می‌کند»([[9]](#footnote-9)).

ما می‌توانیم این اعمال نیک نابودکننده گناهان را بر چند بخش تقسیم کنیم.

الف- فرائض و نوافل.

ب- اذکار.

ج- نیکی به مخلوقات خداوند.

[الف- فرائض و نوافل]

الف: از میان فرائض مهم‌ترین عامل بخشش گناهان، توحید و یکتاپرستی است.

چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ﴾ [النساء: 48].

«خداوند هرگز شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هرکسی بخواهد می‌بخشد».

و این موضوع را حدیث حضرت معاذ کاملاً واضح می‌کند که می‌گوید: حضرت پیامبر ص از او پرسیدند: آیا می‌دانی حق بندگانی که شرک نکرده‌اند بر خداوند چیست؟

حضرت معاذ گفت: خداوند و پیامبرش داناتر‌اند.

و در روایتی آمده است: بر خداوند است که بندگانی را که با وی شریک نگرفته‌اند عذاب ندهد([[10]](#footnote-10)).

و حضرت انس می‌گوید: من از حضرت پیامبر ص شنیدم که می‌فرمود: خداوند می‌فرماید: ای فرزند آدم! تا دمی که از من بخواهی و به من امید داشته باشی آنچه را که از تو سر زده می‌آمرزم و پروا ندارم([[11]](#footnote-11)).

و پس از توحید مهمترین عامل نخستین گناهان، نماز است، چنانکه حضرت ابوهریره از پیامبر ص روایت می‌کند که فرمود: نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان دیگر محوکننده گناهانی هستند که در بین آنها انجام گرفته تا مادامی که از گناهان کبیره اجتناب شود([[12]](#footnote-12)).

و در حدیث حضرت حذیفه آمده است که گناه برخورد ناشایسته مرد با اعضاء خانواده و همسایگانش و مصرف بی‌رویه اموالش (ثروتش) با نماز و روزه و صدقه جبران می‌شود([[13]](#footnote-13)).

اما بحث تفصیلی فرایض و نوافلی که موجب محو گناهان می‌شوند به شرح ذیل است:

1- وضو

در حدیث حضرت ابوهریره آمده است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرگاه بنده مسلمان یا مؤمن وضو بگیرد و چهره‌اش را بشوید هر گناهی که با چشمانش مرتکب شده از رویش همراه آب یا با آخرین قطره‌های آب بیرون می‌رود و چون دست‌ها را بشوید هر گناهی که با دست مرتکب آن شده با آب و یا با آخرین قطرات آب از بین می‌رود و آنگه که پاها را بشوید هر گناهی که با پاها انجام داده با آب و یا آخرین قطرات آب فرو می‌ریزد، تا این که از گناهان پاک می‌گردد([[14]](#footnote-14)).

و در حدیث حضرت عثمان بن عفان آمده که ایشان برای مردم وضو گرفتند مانند وضوی حضرت پیامبر ص سپس فرمود: من حضرت پیامبر ص را دیدم که چنین وضو می‌گرفتند و فرمودند: هرکس مثل وضوی من وضو بگیرد و پس از آن دو رکعت نماز بخواند و در آن مبتلا به وساوس نشود گناهان قبلی او آمرزیده می‌شوند([[15]](#footnote-15)).

و در روایتی دیگر این جمله افزوده شده که، نماز و رفتن به مسجد برایش نافله حساب می‌شوند.

و حضرت عقبه بن عامر می‌گوید: من حضرت پیامبر ص را دریافتم که می‌فرمودند: هر مسلمانی که وضو بگیرد به طوری که وضویش کامل باشد، سپس برخیزد و دو رکعت نماز بخواند و در آن نماز با قلب و زبان توجه نماید بهشت بر او لازم می‌شود.

حضرت عقبه می‌گوید: من گفتم: این بخشش بسیار زندگی است!.

که ناگهان شخصی گفت: آنچه قبل از این بود بخشش بسیار بزرگتری است، دیدم که ایشان حضرت عمر است و گفت: من تو را دیدم و جلوتر از تو آمده‌ام که پیامبرص فرمودند: هر یکی از شما وضو بگیرد و وضو را تمام کند و پس از آن بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

هرهشت دروازه بهشت برای او باز می‌شوند و از هریکی که بخواهد داخل شود([[16]](#footnote-16)).

و نیز در حدیثی حضرت ابوهریره روایت می‌کند که حضرت پیامبر ص فرمودند: آیا شما را به آنچه که خداوند به وسیله آن گناهان را محو نموده و درجات را بالا می‌برد راهنمایی نکنم؟

گفتند: آری یا رسول الله! فرمود: تمام‌کردن وضو بر سختی‌ها (سردی و گرمای زیاد) و بسیار گام‌زدن به سوی مسجد و انتظار نماز بعد از نماز دیگر پس این قرارگاه و جای استقامت است([[17]](#footnote-17)).

2- اذان

اذان یکی از شعارهای علنی دین اسلام است که خداوند به وسیله آن گناهان را محو می‌کند.

و این مطلب را حدیث حضرت عمر بیان می‌دارد که حضرت پیامبر ص فرمودند: چون مؤذن کلمات اذان را می‌گوید هریک از شما کلمات را با او تکرار کند و هنگام «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلاحِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلا بِاللَّهِ» بگوید، و در آخر او نیز چون مؤذن با یقین «لا إِلَهَ إِلا اللَّهَ» وارد بهشت می‌شود.

و از حضرت سعد بن ابی وقاص روایت است که حضرت پیامبرص فرمودند: هرکس هنگام شنیدن اذان بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا» گناهان او آمرزیده می‌شوند([[18]](#footnote-18)).

و در حدیث حضرت انس آمده است که حضرت پیامبر ص هنگام فجر بر دیار کفار حمله می‌کردند و به صدای اذان گوش می‌دادند و اگر اذان را می‌شنیدند هجوم نمی‌بردند و گرنه هجوم می‌بردند.

باری از مردی شنیدند که می‌گفت: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ».

فرمودند: او بر فطرت مسلمانی است.

پس از آن او تا دو بار گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ».

حضرت پیامبر ص فرمودند: از آتش جهنم خارج شد ناگاه دیدم که او چوپانی از قبیله مِعزی است([[19]](#footnote-19)).

و حضرت ابوهریره از حضرت پیامبر ص روایت می‌کند که آن حضرت ص فرمودند: مؤذن به امتداد صدایش بخشیده و برای او هر خشک و تری گواهی می‌دهد و کسی که در نماز جماعت حاضر شود.

برایش پاداش بیست و پنج نماز نوشته می‌شود و در میان اذان و اقامت گناهانش محو می‌شوند([[20]](#footnote-20)).

3- رفتن به نماز

با رفتن به سوی مسجد خداوند گناهان مؤمن را محو می‌کند.

این مطلب را حدیث ابوهریره بیان می‌کند که حضرت پیامبر ص فرمودند: کسی که در خانه خویش طهارت نماید و سپس به خانه‌ای از خانه‌های خداوند (مسجد) برود تا فرضی از فرایش خداوند متعال را ادا کند هریکی از گام‌هایش گناهی را نابود نموده و گام دیگر رتبه او را بالا می‌برد([[21]](#footnote-21)).

و از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: کسی که در هنگام سپیده‌دم یا بعد از زوال بطرف مسجد رود، خداوند برایش در هر سپیده دم یا بعد از زوال که به سوی مسجد می‌رود در بهشت اسباب پذیرایی و ضیافت را مهیا می‌کند([[22]](#footnote-22)).

و از حضرت ابوهریره نیز روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: نماز جماعت بر نمازی که در منزل و یا در بازار خوانده شود بیست و پنج درجه افزایش دارد.

پس هرگاه یکی از شما وضو بگیرد و آن را درست انجام دهد، سپس به مسجد بیاید و جز ادای نماز قصد دیگری نداشته باشد هر قدمی که می‌نهد یک درجه مقامش بالا می‌رود و یک گناه از وی کاسته می‌شود؛ تا که وارد مسجد می‌شود و در مسجد تا زمانی که نماز او را باز داشته در حکم نماز است، و تا مدتی که در جای نماز است و بی‌وضو نشده فرشتگان برای او دعا می‌کنند و می‌گویند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، وَارْحَمْهُ»([[23]](#footnote-23)).

4- فضیلت نمازهای پنجگانه

مواظبت و اهتمام بر نمازهای پنجگانه یکی از بزرگترین عوامل نابودی گناهان یک مسلمان است.

و آنچه این مطلب را بوضوح بیان می‌کند حدیثی است که حضرت ابوهریره از آن حضرت ص شنیده است که فرمودند: مرا خبر دهید که هرگاه در کنار دروازه منزل یکی از شما نهر آبی باشد و او هر روز پنج بار در آن غسل کند آیا از چرک و آلودگی‌‌های بدنش چیزی باقی می‌ماند؟

گفتند: خیر، چیزی از آلودگی‌ها باقی نمی‌ماند.

فرمودند: پس این مثال نمازهای پنجگانه است که خداوند به وسیله آن گناهان را محو می‌نماید([[24]](#footnote-24)).

و از حضرت عثمان بن عفان روایت شده است که گفت: از رسول الله ص شنیدم که می‌فرمودند: هر مسلمانی که وقت نمازش فرا رسید و او خوب وضو کرد و خشوع و رکوع را به وجه احسن در نمازش بجا آورد این نماز کفاره گناهان گذشته او می‌شود تا زمانی که مرتکب به گناه کبیره‌ای نشده و این وابسته به هر عصر و زمانی است([[25]](#footnote-25)).

و نیز از حضرت عثمان بن عفان روایت شده است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هر مسلمان آن طهارتی را که خداوند بر او فرض قرار داده انجام دهد و پس از آن نمازهای پنجگانه را بخواند آن نمازها بر گناهانی که در میان‌شان انجام شده کفاره می‌شوند([[26]](#footnote-26)).

و از حضرت ابوموسی اشعری روایت شه که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرکسی نماز صبح و عصر را بخواند وارد بهشت می‌شود([[27]](#footnote-27)).

و از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه دیگر کفار است برای گناهانی که در میان‌شان انجام شده تا مادامی که از گناهان کبیره اجتناب شود([[28]](#footnote-28)).

5- فضیلت نماز جمعه

روز جمعه مهم‌ترین و برترین روز از ایام هفته است که خداوند به وسیله آن گناهان و معاصی را از بین می‌برد.

و این مطلب را حدیث حضرت ابوهریره بیان می‌دارد که حضرت پیامبر ص فرمودند: کسی که درست وضو گیرد و سپس به نماز جمعه آمده آرام بنشیند و گوش فرا دهد گناهان او از این جمعه تا جمعه قبل و سه روز اضافه برآن بخشیده می‌شود، و کسی که بر سنگریزه دست کشید کار بیهوده‌ای انجام داده است([[29]](#footnote-29)).

و از حضرت أوس بن اوس روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: «مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ ثُمَّ بَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا مِنَ الإِمَامِ فَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ أَجْرُ صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا»([[30]](#footnote-30)). «کسی که روز جمعه غسل نمود و در اول وقت پیاده به نماز جمعه حرکت کرد و هنگام آغاز خطبه نزدیک به امام نشست و به خطبه گوش فرا داد و کار بیهوده‌ای انجام نداد برای او در عوضی گام‌هایش که از منزل به سوی مسجد برداشته پاداش روزه و قیام الیل یک سال است»([[31]](#footnote-31)).

و از حضرت سلمان فارسی روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرکسی روز جمعه غسل کند و به قدر توان طهارت نماید و روغن بمالد و یا خوشبوی دیگر استفاده کند و به جمعه بیاید و در میان دو شخص فاصله نه اندزاد و به حد توان خویش نماز خواند و چون امام شروع سخن کند او آرام بنشیند خداوند برای او از این جمعه تا جمعه قبل گناهانش را می‌بخشد([[32]](#footnote-32)).

و در خود نماز فضایل بی‌شماری است که کفاره گناهان می‌شوند. و عبارتند از:

الف: فضیلت آمین

آمین یکی از اسباب مهم نابودی گناهان و باعث جلب رحمت خداوند است.

این مطلب را حدیث حضرت ابوهریره صراحتاً بیان می‌دارد که حضرت پیامبر ص فرمودند: چون امام آمین می‌گوید شما نیز آمین بگویید، زیرا کسی که آمینش موافق و همآهنگ با آمین ملائکه شد گناهان پیشین او آمرزیده می‌شوند([[33]](#footnote-33)).

و از حضرت ابوهریره نیز روایت شده است که حضرت پیامبر ص فرمودند: چون امام «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را می‌گوید، شما آمین بگویید.

پس اگر آمین شخصی با قول فرشتگان موافق گشت گناهان پیشین او بخشیده می‌شوند([[34]](#footnote-34)).

ب: فضیلت برخواستن از رکوع

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: چون امام «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» گفت، شما «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» بگویید، پس هرکسی سخنش موافق با کلام ملائکه شد گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند([[35]](#footnote-35)).

ج: فضیلت سجده

سجده از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ارکان نماز است و این مطلب را آنچه در حدیث حضرت ربیعه بن کعب وارد است، بیان می‌دارد، آنگاه که پیامبر ص به ایشان گفت: هرچه می‌خواهی از من بخواه؛ می‌گوید: من گفتم: خواسته من همراهی شما در بهشت است.

حضرت پیامبر ص فرمودند: بغیر از این خواسته دیگری؟

گفتم: خواسته من فقط همان است.

حضرت فرمودند: پس مرا با بجاآوردن سجده زیاد یاری کن([[36]](#footnote-36)).

پس معلوم می‌شود که سجده زیاد باعث همراهی پیامبران خداوند † در مراتب عالیه‌شان است.

و نیز فرموده، حضرت پیامبر ص که به غلامش ثوبان فرمودند: بسیار سجده‌کردن را بر خود لازم بدان، برای آن که خداوند با هر سجده یک درجه مقامت را بالا می‌برد و یک خطا و لغزش را از بین می‌برد([[37]](#footnote-37)). این فضیلت را ثابت می‌کند.

و از حضرت عباده بن صامت روایت شده که از حضرت پیامبر ص شنیدم که می‌فرمود: هرکسی برای خداوند یک سجده کند، خداوند در عوض او یک نیکی می‌دهد و یک گناه او را معاف می‌کند و بر مقامش در بهشت یک درجه می‌افزاید پس شما بسیار سجده کنید([[38]](#footnote-38)).

د: نماز تهجد

نماز تهجد روش و عمل صالحان و رستگاران است.

و از حضرت بلال و ابو امامهب روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: نماز تهجد را بر خود لازم بگیرید چون روش صالحان پیش از شما، وسیله تقرب به خداوند، باز دارنده از گناه، نابودکننده خطاها و برطرف کننده ناراحتی‌ها و بیماری‌هاست([[39]](#footnote-39)).

و این بخشش از سخنان حضرت پیامبر ص که فرمودند: تکفیر للسیئات، خود گواه است که نماز تهجد از عوامل نابودکننده گناهان است.

ﻫ: نماز توبه

حضرت علی می‌گوید: من از حضرت ابوبکر صدیق شنیدم که می‌گفت: من از حضرت رسول کریم ص شنیدم که می‌فرمودند: کسی که مرتکب گناه شد پس از آن خوب طهارت کند و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب آمرزش کند، بخشیده می‌شود([[40]](#footnote-40)).

و آنگاه حضرت پیامبر ص این آیه مبارکه: ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ﴾ [آل‌عمران: 135]. را تلاوت کردند. «و آنان چون مرتکب کاری زشت شوند یا بر خود ستم کنند خداوند را یاد کنند».

در حدیث مذکور جمله «إلا غفر له» گواه است که نماز توبه از اسباب نابودی گناهان است.

و: نماز در بیت المقدس

حضرت عبدالله بن عمرو بن عاص ب می‌گوید: من از حضرت پیامبر ص شنیدم که فرمودند: حضرت سلیمان بن داود † از خداوند خواست که او را قضاوت‌کردن مطابق با حکم خویش عنایت کند؛ به او عطا شد و از خداوند حکومتی خواست که برای دیگران بعد از او نباشد به ایشان داده شد، و آنگاه که از ساختن مسجد اقصی فارغ شد از خداوند خواست که هرکس فقط جهت نمازخواندن آنجا می‌آید او را از گناهان پاک سازد و او را همچون نوزادی که تازه به دنیا آمده، بگرداند.

و در روایتی از مسند احمد آمده است که حضرت پیامبر ص فرمودند: ما امیدواریم که خداوند این خواسته ایشان را نیز برآورده کرده باشد([[41]](#footnote-41)).

ز: فضیلت درود و سلام بر پیامبر ص

خداوند متعال ما را به این امر دستور داده است و حضرت پیامبر ص نیز در احادیث تشویق نموده‌اند.

پس این عمل صلوات و سلام فرستادن نشانه ایمان داری و پیروی‌کردن است.

حضرت انس روایت کرده است که رسول اکرم ص فرمودند: آن که بر من یک بار درود بخواند خداوند بر او ده بار درود (رحمت) می‌فرستد و ده گناه از او بخشوده، و در بهشت ده درجه بر مقامش افزوده می‌شود([[42]](#footnote-42)).

از این به بعد بحث اعمال صالح غیر از نماز که نابودکننده گناهان هستند شروع می‌شود، و عبارتند از:

6- فضیلت صدقه

صدقه از اعمال بسیار مهم است که صاحبش را از جهنم باز می‌دارد، و گناهان را نابود می‌کند و از ورود به میادین فحشا مانع می‌شود و به کارها و امور خیر نزدیک می‌گرداند.

این مطلب را حدیث حضرت عدی بن حاتم بیان می‌کند که می‌گوید: حضرت پیامبر ص فرمودند: از آتش جهنم اجتناب کنید، پس صورت خویش را برگرداند باز فرمود: از آتش جهنم دوری کنید، سپس تا سه بار روی خویش را برگرداند تا این که ما چنین پنداشتیم که به سوی آن می‌نگرد و آنگاه فرمود: از آتش اجتناب کنید، اگرچه با نصف یک دانه خرما باشد و اگر کسی آن را هم نیافت با گفتار پسندیده([[43]](#footnote-43)).

و در حدیث مفصل حضرت معاذ وارد است که حضرت پیامبر ص فرمودند: آیا تو را به راه‌های خیر راهنمایی نکنم؟

روزه سپر است و صدقه گناهان را از بین می‌برد، آنچنان که آب آتش را از بین می‌برد.

و از حضرت حذیفه روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: گناه برخورد نادرست فرد با اعضای خانواده و همسایگانش و مصارف بی‌مورد مالی‌اش به وسیله نماز، روزه و صدقه جبران می‌شود([[44]](#footnote-44)).

7- فضیلت روزه

روزه از بزرگترین عبادات است و بنابر همین است که خداوند آن را از میان عبادات دیگر مخصوص خویش قرار داده است.

و فرمود: روزه از من است.

و این مطلب را که روزه برترین عبادات، کفاره گناهان و وسیله دخول بهشت است، حدیث حضرت سهل بیان می‌کند که حضرت پیامبر ص فرمودند: در بهشت دری به نام ریّان است که روز قیامت روزه‌داران از آن وارد می‌شوند و کسی غیر از آنان از آنجا داخل نمی‌شود.

و روز قیامت اعلام می‌شود که روزه‌داران کجایند؟

پس آنان برمی‌خیزند و از آن درب وارد می‌شوند و کسی جز ایشان داخل نمی‌شود، و چون وارد شدند درب بسته می‌شود، و هیچکس از آن داخل نمی‌شود([[45]](#footnote-45)).

و از حضرت ابوسعید خدری روایت است که می‌گوید: من از حضرت پیامبر ص شنیدم که می‌فرمود: کسی که یک روز در راه خداوند روزه گیرد خداوند متعال او را هفتاد سال از جهنم دور می‌دارد([[46]](#footnote-46)).

و از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمود: کسی که رمضان را با ایمان و اخلاص نیت روزه گیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شوند([[47]](#footnote-47)).

و در روایتی دیگر از او نیز روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرکسی با ایمان و اخلاص ماه رمضان را به عبادت بگذراند گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شوند([[48]](#footnote-48)).

و از حضرت ابوقتاده روایت است که از حضرت پیامبر ص در باره روزه عرفه پرسیدند، فرمودند: گناهان سال گذشته و سال جاری را از بین می‌برد و گفت: از ایشان ص نسبت به روزه عاشورا پرسیده شد، فرمودند: گناهان سال گذشته را محو می‌کند([[49]](#footnote-49)).

و در حدیثی از حضرت ابوهریره که شامل برخی دیگر از اعمال صالح است روایت شده است که حضرت پیامبر ص فرمودند:

- امروز چه کسی روزه دارد؟

- حضرت ابوبکر صدیق: من.

- حضرت پیامبر ص: امروز چه کسی در تشیع جنازه‌ای شرکت کرده است؟

- حضرت ابوبکر صدیق : من.

- حضرت پیامبر ص: امروز چه کسی مسکینی را غذا داده است؟

- حضرت ابوبکر صدیق : من.

- حضرت پیامبر ص: امروز چه کسی به عیادت بیماری رفته است؟

- حضرت ابوبکر صدیق : من.

پس آنگاه حضرت پیامبر ص فرمودند:

هر شخصی که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد وارد بهشت می‌شود([[50]](#footnote-50)).

8- فضیلت حج و عمره

حج یکی از ارکان اساسی دین اسلام است که حج و عمره فاعل‌شان را چون نوزاد از گناهان پاکیزه می‌نمایند و از اسباب ورود به بهشت هستند.

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمود: کسی که حج کند و فحش‌گویی و فسق ننماید مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده بود، برمی‌گردد([[51]](#footnote-51)).

و از ایشان نیز روایت است که حضرت پیامبر ص فرمود: یک عمره تا عمره دیگر محوکننده گناهان در میان‌شان است و پاداش حج مقبول، بهشت است([[52]](#footnote-52)).

و از حضرت عمرو بن عاص روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: آیا نمی‌دانی که اسلام آنچه را پیش از آن بوده نابود می‌کند و هجرت آنچه را قبل از آن بوده از بین می‌برد و حج آنچه را پیش از آن بوده است محو می‌کند([[53]](#footnote-53)).

و از حضرت عبدالله بن مسعود روایت است که رسول الله ص فرمودند: حج و عمره را پی در پی (قِران) بجا آورید، برای این که آن دو، چون دمه آهنگر که ناخالصی آهن، طلا و نقره را از بین می‌برد گناهان و فقر را نابود می‌کنند و برای حج مقبول پاداشی جز بهشت نیست([[54]](#footnote-54)).

أ- طواف بیت الله

از حضرت عبدالله بن عمر ب روایت است که من از حضرت پیامبر ص شنیدم که فرمودند: هرکس گرداگرد بیت الله هفت طواف کند برایش پاداش آزادی یک غلام است.

و می‌گوید: من از حضرت پیامبر ص شنیدم که فرمود: با نهادن و برداشتن هر قدم، یک گناه نابود می‌شود و یک نیکی نوشته می‌شود([[55]](#footnote-55)).

ب- فضیلت لمس حجراسود و رکن یمانی

از حضرت عبدالله بن عمر ب روایت است که حضرت پیامبر ص فرمود: لمس حجراسود و رکن یمانی گناهان را کاملاً نابود می‌کنند([[56]](#footnote-56)).

ج- فضیلت روز عرفه

از حضرت عایشه ل روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: بیشتر از روز عرفه در هیچ روزی خداوند بندگانش را از جهنم آزاد نمی‌کند و در این روز (رحمت) خداوند به بندگانش نزدیک می‌شود و در میان ملائکه افتخار می‌کند و می‌پرسد ایشان چه می‌خواهند؟([[57]](#footnote-57)).

9- فضیلت کسب علم و امر به معروف و نهی از منکر

این مطلب را حدیث حضرت ابوهریره بیان می‌دارد که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرکس راهی را جهت تحصیل علم بپیماید خداوند برایش راه ورود به بهشت را آسان می‌گرداند([[58]](#footnote-58)).

و از حضرت ابوهریره نیز روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرکس به سوی هدایت و رستگاری دعوت کند، برایش پاداشی است، همانند پاداش کسانی که از او پیروی می‌کنند، بدون آن که از مزد‌شان چیزی کاسته شود([[59]](#footnote-59)).

و همچنین از حضرت ابوهریره در فضیلت مجالس ذکر حدیثی روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند:

خداوند فرشتگانی دارد که در راه‌ها اهل ذکر را جستجو می‌کنند و چون گروهی را دریابند که در ذکر خداوند مشغول هستند، یکدیگر را صدا می‌زنند و می‌گویند: بشتابید به سوی آنچه می‌طلبید، پس آنان را با بال‌هایشان تا آسمان دنیا احاطه می‌کنند.

پروردگارشان از آنان سؤال می‌کند در حالی که داناتر است، بندگانم چه می‌گویند؟

حضرت پیامبر ص فرمود: فرشتگان می‌گویند: تسبیح و تکبیر و حمد تو را می‌گویند.

و حضرت پیامبر ص فرمودند که، ملائکه در محضر خداوند می‌گویند که: اهل مجلس از خداوند بهشت را می‌طلبند و از دوزخ پناه می‌جویند.

و آنگاه خداوند می‌گوید: من شما را گواه می‌گیرم که آنان را مورد آمرزش قرار دادم.

پیامبر ص فرمودند: یک فرشته از جمع فرشتگان می‌گوید: در میان آنها فلانی است که از جمع آنان نیست، بلکه بنابر امری آمده است، خداوند فرمود: آنان اهل مجلسی هستند که هم‌نشین‌شان بدبخت نمی‌شود([[60]](#footnote-60)).

10- فضیلت جهاد

رهبانیت مسلمانان جهاد است و از نظر اجر و پاداش و نابودی گناهان و رفع درجات، جهاد از بزرگترین اعمال به حساب می‌آید.

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: کسی که در راه خداوند خارج شود و او را جز جهاد در راه خداوند تصدیق به کلمات خداوند چیزی بیرون نکرده باشد، خداوند ضامن شده است که او را در بهشت کند و یا این که او را همراه مزد و یا غنیمت به منزلی که از آن خارج شده، بازگرداند([[61]](#footnote-61)).

و از حضرت سهل بن سعد روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: اول صبح و یا اول شب در راه خداوند (جهاد) رفتن از دنیا و آنچه در آن هست بهتر است([[62]](#footnote-62)).

و از حضرت معاذ روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هرکس به فاصله دو دوشیدن شتر در راه خداوند جهاد کند، بهشت بر او لازم می‌شود و کسی که صادقانه از خداوند کشته‌شدن در راه خداوند را طلب کند، پس اگر او بمیرد یا کشته شود برایش شهید است([[63]](#footnote-63)).

و از حضرت ابوقتاده روایت است که مردی به حضرت پیامبر ص گفت: مرا خبر دهید اگر من در جهان کشته شوم، گناهانم بخشیده می‌شوند؟

حضرت پیامبر ص فرمودند: بله اگر تو در راه خداوند کشته شوی و صابر، مخلص و پیش‌تاز باشی و فرار نکنی.

سپس رسول اکرم ص فرمودند: چه گفتی؟

گفت: یا رسول الله! مرا خبر دهید که هرگاه من در راه خداوند کشته شوم، آیا گناهانم محو می‌شوند؟

حضرت پیامبر ص فرموند: بلکه در صورتی که با اخلاص و پایداری به دشمنی روکنی و پشت مگردانی، به جز قرض، این مطلب را حضرت جبریل اکنون برایم گفت([[64]](#footnote-64)).

11- فضیلت نیکویی به پدر و مادر و احسان به یتیمان

خداوند متعال بعد از حق خویش احسان به پدر و مادر را بیان کرده است، بلکه نیکویی به پدر و مادر یکی از بزرگترین اسباب ورود به بهشت و نابودی گناهان است و نافرمانی آن دو، انسان را به جهنم می‌برد.

و این مطلب را حدیث حضرت ابوهریره بیان می‌کند که حضرت پیامبر ص فرمودند:

بینی او به خاک مالیده شود، بینی او به خاک مالیده شود، بینی او به خاک مالیده شود. سؤال شد چه کسی یا رسول الله؟!.

فرمودند: کسی که پدر و مادرش یا یکی را در پیری دریابد و به وسیله خدمت آن دو وارد بهشت نگردد([[65]](#footnote-65)).

و نسبت به احسان و نیکویی به یتیمان از حضرت سهل بن سعد روایت است که حضرت رسول ص فرمودند: من و سرپرست یتیم روز قیامت اینچنین در بهشت هستیم و حضرت پیامبر ص دو انگشت اشاره و وسطی را نشان دادند([[66]](#footnote-66)).

12- کنارزدن موذی از راه

برداشتن و نابودکردن شی ایذادهنده از سر راه مردم، از جمله نیکی‌هایی است که گناهان را محو می‌کند.

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: شخصی به راهی می‌رفت که شاخه‌ای خاردار را در راه دید پس آن را از راه برداشت، خداوند از عملش قدردانی کرد و او را بخشید([[67]](#footnote-67)).

ب- ذکر خداوند متعال

ذکر خداوند یکتابودن استثناء از مهم‌ترین اعمال و بزرگترین اسباب محو گناهان و تصفیه قلوب است.

و چرا چنین نباشد؟

حال آن که خداوند در آیات بیشماری ما را به کثرت ذکر دستور داده است.

چنانکه فرموده است:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ٤١﴾ [الأحزاب: 41].

«ای کسانی که ایمان آورده اید خداوند را بسیار یاد کنید».

و خداوند جز ذکر به هیچ عملی دستور کثرت نداده است، زیرا ذکر اساس رفع درجات است و چرا چنین نباشد؟

که افضل‌ترین آن لا إله إلا الله و قرائت قرآن مجید است که خداوند نسبت به آن فرموده است:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾ [الحجر: 9].

«ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع آن را پاسداری می‌کنیم».

الف- فضیلت لا إله إلا الله

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت رسول خدا ص فرمودند: کسی که در روز صد مرتبه «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» را بگوید، برایش پاداش آزادی ده برده است و صد نیکی نوشته می‌شود و د گناه معاف و در آن روز تا غروب از شر شیطان حفاظت می‌شود و هیچکس از او عمل برتری انجام نداده است به جز آن شخصی که بیشتر بخواند و کسی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» را در روز صد بار بخواند گناهان او محو می‌شوند، اگر چه به اندازه کف دریا باشند([[68]](#footnote-68)).

و نیز از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: کسی بعد از هر نماز سی و سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و سی و سه بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و سی و سه بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و برای تکمیل عدد صد یک بار «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» را بگوید گناهانش محو می‌شوند اگرچه مانند کف دریا باشند([[69]](#footnote-69)).

و حدیث حضرت طلحه بن عبید که آن را مرفوع می‌داند روایت است که برترین دعا دعای روز عرفه است و برترین کلامی که من و انبیای قبل من گفته‌اند «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ» است([[70]](#footnote-70)).

ب- تلاوت قرآن مجید

قرآن کلام خداوند است آن کتابی که باطل نه از پیش او و نه از پشت سر به سراغش می‌آید برتری آن بر سایر کلام‌ها چون برتری خداوند نسبت به مخلوقاتش است، پس قرآن اساس سعادت و وسیله رفع درجات در هردو سرای است.

از حضرت ابو امامه روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: قرآن را بخوانید، زیرا روز قیامت قرآن می‌آید و برای یارانش شفاعت می‌کند([[71]](#footnote-71)).

و از حضرت امیرالمؤمنین عمر فاروق روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ آخَرِينَ». «همانا خداوند با این کتاب قومی را سربلند و ملتی را پست و خوار می‌کند»([[72]](#footnote-72)).

13- ساختن مساجد

مساجد بهترین اماکن و برترین محلّ‌های روی زمین و مرکز گسترش دعوت دین و محلّ ملاقات اهل ایمان و مصلحان اسلام هستند.

از حضرت امیرالمؤمنین عثمان بن عفان روایت است که من از حضرت پیامبر ص شنیدم که فرمودند: هرکس به خاطر رضای خداوند مسجدی بسازد خداوند در بهشت برای او به مثل آن خانه‌ای بنا می‌کند([[73]](#footnote-73)).

14- محبت بخاطر خداوند

دوستی بخاطر خداوند از محکم‌ترین رشته‌های ایمانی است که انسان به رضوان خداوندی و بهشت می‌رساند.

از حضرت انس بن مالک روایت است که مردی به حضرت پیامبر ص گفت: یا رسول الله! قیامت چه زمانی برپا می‌شود؟

حضرت پیامبر ص پرسیدند: برای قیامت چه چیزی فراهم کرده‌ای؟

گفت: نماز و روزه و صدقه زیادی آماده نکرده‌ام، ولی من خداوند و پیامبر خدا را دوست دارم.

حضرت پیامبر ص فرمود: «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ». «پس تو همراه کسانی هستی که دوست داری».

حضرت انس می‌گوید: ما بعد از اسلام‌آوردن نسبت به هیچ چیز اینقدر خوشحال نشدیم که به این کلام حضرت پیامبر ص که فرمود: «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ» خوشحال شدیم([[74]](#footnote-74)).

و از حضرت ابوهریره روایت است که رسول الله ص فرمودند: خداوند در روز قیامت می‌فرماید: کجایند کسانی که به خاطر عظمت و جلال من با یکدیگر دوستی کردند تا امروز آنان را در سایه‌ام جای دهم، روزی که در آن جز سایه‌ام سایه‌ای دیگر وجود ندارد([[75]](#footnote-75)).

15- مرگ کودکان

از حضرت ابوذر و ابوهریره ب روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: از هر پدر و مادر مسلمانی که سه بچه نابالغ بمیرد خداوند آن دو را به فضل رحمت خویش وارد بهشت می‌کند.

و در روایتی آمده: آن دو را مورد آمرزش قرار می‌دهد([[76]](#footnote-76)).

16- احسان به حیوانات سودمند

خداوند متعال احسان و نیکویی را نسبت به هرچیز لازم دانسته است.

حتی در هنگام کشتن و ذبح حیوانات احسان لازم است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد، و نیکوکاری یکی از عوامل آمرزش گناهان است.

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: مردی در راهی می‌رفت که بسیار تشنه شد و در مسیر راه چاهی دید، پس داخل چاه رفت و آب نوشید و چون بیرون شد، سگی را دید که از تشنگی زبان بیرون کشیده و خاک‌های تر را می‌خورد، او با خودش گفت: این سگ چون من بسیار تشنه است دوباره وارد چاه شد و موزه‌اش را از آب پر کرده و با دهان گرفته و بیرون شد و سگ را آب نوشاند، خداوند متعال از عمل این مرد قدردانی کرد و او را مورد آمرزش قرار داد([[77]](#footnote-77)).

و فراتر از این جریان در حدیث از حضرت ابوهریره نقل است که حضرت پیامبر ص فرمودند: سگی از تشنگی دور چاهی دور می‌زد، و نزدیک بود که از تشنگی هلاک شود که ناگهان یک زن فاحشه بنی اسرائیلی آن را دید، پس کفش خویش را درآورد و آن را آب نوشاند که گناهانش بخاطر این عمل، آمرزیده شدند([[78]](#footnote-78)).

17- فضیلت مصافحه

مصافحه از اعمالی است که در میان مسلمانان باعث محبت و دوستی می‌شود، و بلکه یکی از عوامل آمرزش گناهان است.

از حضرت براء بن عازب روایت است که حضرت پیامبر ص فرمود: هردو مسلمانی که باهم ملاقات و مصافحه کنند، قبل از جداشدن گناهان‌شان آمرزیده می‌شوند([[79]](#footnote-79)).

18- ضرر کینه‌توزی

کینه‌توزی یکی از اسباب عداوت و دشمنی و ناراحتی در میان دو فرد درگیر است که گشوده‌شدن درهای بهشت را برآنان به تأخیر می‌اندازد.

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: در هرروز دوشنبه و پنجشنبه درهای بهشت گشوده می‌شوند، پس هر آنکس که با خداوند شریک نگرفته آمرزیده می‌شود به جز آن مردی که در میان او و برادرش دشمنی باشد، پس گفته می‌شود، این دو را به حال‌شان بگذارید تا صلح کنند([[80]](#footnote-80)).

19- دعای بازار

غالباً بازار محل اجتماع شیاطین است و اهل بازار و کسانی که وارد آن می‌شوند نیاز به عملی دارند که گناهان حاصله از آن را نابود کنند.

از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمود: کسی که وارد بازار شد و این دعا را «لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بخواند خداوند متعال برایش یک میلیون نیکی می‌نویسد و یک میلیون گناه معاف می‌کند و یک میلیون درجه می‌دهد، و برای او در بهشت خانه‌ای می‌سازد([[81]](#footnote-81)).

20- دعای غذا و آب

یکی از نشانه‌های برتری و بخشندگی دین اسلام این است که عمل اندک را می‌پذیرد و بر آن پاداش بزرگ عطا می‌کند.

از حضرت انس روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: خداوند از بنده بسیار خشنود می‌شود، از این که لقمه‌ای بخورد و برآن پروردگارش را سپاسگزاری و یا جرعه‌ای آب بنوشد و شکر الله را بجای آورد([[82]](#footnote-82)).

4- دعا و استغفار مؤمنان

این مطلب را خداوند در قرآن مجید بیان می‌دارد که

﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾ [الحشر: 10].

«و کسانی که بعد از آنها می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! بر ما و برادران ما که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا! تو مهربان و رحیمی».

و نیز خداوند در قرآن مجید، قول حضرت ابراهیم را نقل می‌کند که:

 ﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾ [ابراهیم: 41].

«پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را روزی که حساب برپا می‌شود بیامرز».

و غیر از این دو دعای حضرت نوح که در آن دعای آخرین برای اولین و دعای اولین برای عموم مسلمانان است.

پس مؤمنان برخی برای بعضی دیگر دعا می‌کنند.

و این مطلب را حدیث حضرت ابوالدرداء بیان می‌دارد که حضرت پیامبر ص فرمودند: هر بنده مسلمانی که در غیاب برادر مسلمان خویش برایش دعا کند فرشته می‌گوید: برای تو مانند آن باد([[83]](#footnote-83)).

دعای مسلمان در حق برادر مسلمانش مستجاب می‌شود، چنانکه از حضرت ابوالدرداء روایت است که حضرت رسول الله ص فرمودند: دعای شخص مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب وی مستجاب است و در نزد سرش (کنارش) فرشته مؤظفی است که هرگاه برای برادرش دعای خیر کند برآن آمین می‌گوید و نیز دعا می‌کند که برای تو نیز مانند آن باد([[84]](#footnote-84)).

و برآن دعای فرشتگان نیز اضافه شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ٧﴾ [غافر: 7].

«فرشتگانی که حاملان عرش‌اند، و آنهای که گرداگرد آن تسبیح و حمد خدا می‌گویند، و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌نمایند، و می‌گویند: پروردگارا! لطف و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی که توبه کرده‌اند و راه تو را پیش گرفته‌اند، آنان را بیامرز و از عذاب دوزخ محفوظ فرما».

امام ابن کثیر / نسبت به این قول خداوند ﴿يَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾ می‌فرماید: برای اهل زمین، کسانی که به غیب ایمان آورده‌اند.

خداوند فرشتگان مقرب بارگاهش را معین کرده که غایباً دعا کنند و چون این از خصوصیات ملائکه است، پس آنان بر دعای مؤمنان غایبانه آمین می‌گویند، چنانکه در حدیث حضر ابوالدرداء بیان شد([[85]](#footnote-85)).

5- ایصال ثواب

این مطلب را دلایل ذیل برایمان بیان می‌دارند.

از حضرت عایشه صدیقه ل روایت است که مردی به حضرت رسول اکرم ص گفت: مادرم وفات نمود و گمان می‌کنم اگر می‌توانست حرف بزند صدقه می‌کرد، پس اگر من در عوض او صدقه کنم؛ آیا او را ثوابی می‌رسد؟

فرمودند: بله([[86]](#footnote-86)).

این اهدای ثواب و ایصال بعد از مرگ درست است، آنگونه که قبل از آن و این عمل اهدا و ایصال ثواب بعد از مرگ را حدیث حضرت ابوهریره به روشنی بیان می‌کند که حضرت رسول الله ص فرمودند: چون انسان بمیرد عمل او قطع می‌شود جز در سه مورد، یک صدقه جاری باشد، دوم علمی که از آن بهره برند و سوم فرزند صالحی که برای او دعا کند([[87]](#footnote-87)).

و از حضرت ابوهریره نیز روایت است که مردی خدمتی حضرت پیامبر ص عرض کرد:

پدرم وفات نموده و مال و دارایی بجای گذاشته است و وصیت نکرده اگر عوض او صدقه داده شود کفاره گناهانش می‌شود؟

فرمودند: بله([[88]](#footnote-88)).

و نسبت به روزه از حضرت عبدالله بن عباسب روایت است که مردی خدمت حضرت پیامبر ص آمد و گفت: یا رسول الله! مادرم وفات نمود و بر او یک ماه روزه لازم است آیا می‌توانم در عوض او روزه قضا بجا آورم؟

فرمودند: بله، قرض خداوند سزاوارتر است که ادا گردد([[89]](#footnote-89)).

و از حضرت ام المؤمنین عایشه ب روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: اگر کسی وفات نمود و بر او روزه لازمی بود ولیش عوض او روزه بگیرد([[90]](#footnote-90)).

و در باره حج حضرت عبدالله بن عباس ب روایت می‌کند که روزی حضرت فضل بن عباس پشت سر حضرت رسول اکرم ص سوار بود که زنی از قبیله خثعم آمد (فضل شروع به نگریستن آن زن نمود و زن به فضل نگاه می‌کرد حضرت رسول اکرم ص صورت فضل را به جانب دیگر برگرداند).

و گفت: یا رسول الله! فریضه‌ای که خداوند بر بندگانش فرض نموده بر پدرم واجب شده است و او پیرمردی است که نمی‌تواند بر سواری خودش را نگه دارد، آیا من بجایش حج کنم؟

فرمودند: بله([[91]](#footnote-91)).

و این جریان در سال حجة الوداع پیش آمد.

پس این احادیث بر ثبوت ایصال ثواب صدقات، صوم، حج و عمره بر مردگان دلالت می‌کنند و نسبت به ایصال ثواب نماز و قرائت قرآن مجید که دلایل یافته نشد در میان علماء در اباحت و ممنوعیت آن اختلاف نظر است والله أعلم.

6- شفاعت حضرت محمد ص

شفاعت پیامبر ما حضرت محمد ص از قرآن و احادیث ثابت است، چنانکه خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا﴾ [الإسراء: 79].

«تا خداوند تو را بر مقام درخور ستایش معبوث کند».

و از حضرت انس روایت است که حضرت پیامبر اقدس ص فرمودند: هر پیامبری از خداوند درخواستی نمود و یا فرمودند: برای هر پیامبری دعایی است که به آن دعا نمود و اجابت شد.

و من دعایم را برای شفاعت امت خود در روز قیامت نهاده‌ام([[92]](#footnote-92)).

و از حضرت ابوهریره روایت است که گوشتی پخته خدمت رسول اکرم ص آوردند، و قسمت پارچه پا به ایشان تقدیم گشت، چون آن را دوست داشت، پس یک تکه از آن با دندان کند و فرمود: من در روز قیامت سردار و سرور مردم هستم، و آیا می‌دانید چرا؟

خداوند همه انسان‌ها را اولین تا آخرین را در یک زمین مرتفع جمع می‌کند، به صورتی که بیننده همه آنان را می‌بیند، اعلان‌کننده آنان را می‌شنواند و آفتاب برایشان نزدیک می‌شود و مردم را آنچنان غم و اندوه فرا می‌گیرد که تاب و توان آن را ندارند.

آنگاه به یکدیگر می‌گویند: مگر نمی‌بینید به چه مشکلات و مصایبی گرفتار شده‌اید؟

پس چرا کسی را که نزد پروردگارتان شفاعت کند تلاش نمی‌کنید؟

پس آنگاه بعضی از مردم به دیگران می‌گویند: پیش حضرت آدم بروید و چون نزد ایشان می‌آیند می‌گوید: شما پیش دیگران بروید شما نزد حضرت محمد ص بروید.

آنگاه مردم در خدمت حضرت محمد ص می‌آیند و می‌گویند: یا محمد! شما رسول خداوند و خاتم الأنبیاء هستید، و خداوند گناهان گذشته و آینده‌تان را آمرزیده است.

برای ما پیش پروردگارتان شفاعت کنید.

آیا شما نمی‌بینید ما در چه مشکلاتی بسر می‌بریم؟

آنگاه من زیر عرش خداوند می‌آیم، و پروردگارم را سجده می‌کنم، پس خداوند به من چنان کلماتی زیبا برای سپاس الهام می‌کند که هیچکس قبل از من چنین توفیقی نیافته است، و آنگهی به من گفته می‌شود: ای محمد! سرت را از سجده بردار، و بخواه هرآنچه بخواهی داده می‌شوی، و سفارش کن که شفاعت تو پذیرفته می‌شود، پس آنگاه سرم را از سجده بلند می‌کنم، و می‌گویم: پرورگارا امت من، پرودگارا امت من، به من گفته می‌شود: یا محمد آن دسته از امت تو که برآنان حسابی نیست از درب راست درهای بهشت داخل بگردان و آنان با بقیه مردم در ورود از دروازهای دیگر بهشت نیز شریک‌اند([[93]](#footnote-93)).

احادیث بسیاری در مورد شفاعت امت که از جمله آنان می‌توان این حدیث را برشمرد که حضرت پیامبر ص فرمودند: به من پنج نعمت اعطا شده که به انبیای قبل از من داده نشده است و از آن پنج انعام خداوندی یکی شفاعت روز قیامت است.

و باید بدانیم که شفاعت پیامبر اکرم ص در حق کسانی است که برای ایشان از خداوند طلب وسیله نموده‌اند.

از حضرت جابر بن عبدالله س روایت است که حضرت رسول الله ص فرمودند:

هرکس هنگام شنیدن اذان چنین دعا کند: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلاَةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِى وَعَدْتَهُ». «بار الها! پروردگار این ندای کامل و نماز برپا شونده به حضرت محمد ص وسیله (مقامی در بهشت) و فضیلت عنایت بفرما و او را به مقام محمودی (درخور ستایش) که وعده داده‌ای نایل بگردان».

در روز قیامت شفاعت من شامل حال او می‌شود([[94]](#footnote-94)).

بلکه غیر از پیامبران فرشتگان و مؤمنان نیز برای برادران ایمانی خویش شفاعت می‌کنند.

چنانکه از حضرت ابو سعید خدری روایت است که ما به حضرت پیامبر ص گفتیم: آیا ما در روز قیامت پروردگارمان را می‌بینیم؟

فرمودند: آیا شما در دیدن خورشید مزاحم یکدیگر می‌شوید؟

و در آخر سخنان خویش فرمودند: شما در سؤال از حقایقی که برایتان آشکار شده بیشتر از آن مؤمنانی که در روز قیامت رستگار شده‌اند و خداوند را نسبت به برادران مؤمن‌شان سؤال می‌کنند می‌پرسید، آنان می‌گویند: پروردگارا! برادران ما آن کسانی که ما باهم نماز می‌خواندیم و روزه می‌گرفتیم و اعمال شایسته انجام می‌دادیم آنان را از آتش جهنم نجات ده.

سرانجام خداوند می‌فرماید: بروید و هرکسی را که در دلش به اندازه یک مثقال دینار ایمان یافتید، او را از آتش جهنم خارج کنید، پس آنانی را که می‌دانند خارج می‌کنند، و باز می‌گردند.

دوباره خداوند می‌فرماید: بروید و هرکسی را که در دلش به اندزه یک ذره ایمان هست، خارج کنید، پس هرکسی را که می‌دانند بیرون می‌آورند.

حضرت ابوسعید گفت: اگر مرا تصدیق نمی‌کنید (اگر باور ندارید) ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا﴾ [النساء: 40]. «همانا خداوند به اندازه یک ذره بر کسی ستم نمی‌کند، و اگر نیکوی باشد آن را اضافه می‌نماید» را خواند.

بنابراین، پیامبران، فرشتگان و مؤمنان همگی شفاعت می‌کنند و تا این که خداوند می‌فرماید: شفاعت (بخشش) من هنوز باقی مانده است، پس آنگاه خداوند با دست خویش مشتی از جهنمیان را بیرون می‌آورد که گروهی سوخته و سیاه شده‌اند و آنان را در نهر آب حیات جلوی بهشت می‌اندازد و آنها در دو طرف نهر چون دانه‌ای که همراه سیلاب حمل شده و در کناره صخره سنگ و یا درختی می‌روید و آن قسمتی که در زیر آفتاب است سبزرنگ و قسمتی که در سایه است سفید است می‌رویند.

و آنگاه از نهر خارج می‌شوند، و گویا مروارید هستند و بر گردن آنها مهر زده می‌شود و اهل بهشت می‌گویند: اینها آزادگان خداوند رحمن هستند که آنان را وارد بهشت کرده است، بدون هیچ عملی که انجام داده و یا چیزی پیش فرستاده باشند و در بهشت به آنها گفته می‌شود: برای شما آنچه از بهشت را که می‌بینید و یک برابر آن است([[95]](#footnote-95)).

و یکی از مهم‌ترین شفاعت‌ها شفاعت مؤمنان برای مردگان با خواندن نماز جنازه است.

و این مطلب را حدیث حضرت عبدالله بن عباس ب بیان می‌کند که حضرت پیامبر ص فرمودند: هر مرد مسلمانی که چهل نفر مسلمان که با خداوند شرک نمی‌ورزند بر جنازه‌اش حاضر شوند، خداوند شفاعت آنان را می‌پذیرد و در روایتی صد نفر ذکر شده است([[96]](#footnote-96)).

7- مصائب و مشکلات در دنیا

مشکلات و مصائبی که در دنیا بر انسان مؤمن می‌آید، سبب نابودی گناهانش می‌شود، آنچنان که آیات و احادیث بی‌شماری این مطلب را بیان می‌دارند.

آنچنان که خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿ أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ ٢١٤﴾ [البقرة: 214].

«آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بدون آن که حوادثی چون حوادث گذشتگان به شما برسد همانهایی که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آنان رسید و آنچنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: پس یاری خدا کجاست، آگاه باشید یاری خداوند نزدیک است».

و این قول خداوند که می‌فرماید:

﴿الٓمٓ ١ أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ ٢ وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣﴾ [العنکبوت: 1-3].

«آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می‌شوند، و آزمایش نخواهند شد، و به راستى كسانى را كه پیش از آنان بودند، آزمودیم. پس البته خداوند آنان را كه راست گفتند معلوم مى‏دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم خواهد داشت».

و نیز از دیدگاه احادیث این مطلب ثابت است، چنانکه حضرت ابوسعید و ابوهریره ب روایت می‌کنند که حضرت پیامبر ص فرمودند: هر خستگی، بیماری، غم و اندوه، اذیت و آزاری که به مسلمان می‌رسد، و حتی خاری که در پایش می‌خلد در عوض آن خداوند گناهانش را می‌آمرزد([[97]](#footnote-97)).

و از حضرت ام المؤمنین عایشه ب روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هر مسلمانی که خاری به پایش بخلد و یا بالاتر از آن خداوند در بهشت به او درجه‌ای می‌دهد و یک گناه از گناهانش را نابود می‌کند([[98]](#footnote-98)).

و از حضرت عبدالله بن مسعود روایت است که من نزد پیامبر خدا ص رفتم، در حالی که ایشان تب داشتند، گفتم: یا رسول الله! تب شما شدید است، فرمودند: بله، مرا دوبرابر هریک از شما تب می‌کند، گفتم: چون شما دوبرابر ما اجر و پاداش دریافت می‌کنید، فرمودند: بله، چنین است، و نیز هر مسلمانی که مبتلا به اذیتی شود، و آن خاری و یا بالاتر از آن باشد، خداوند گناهانش را می‌بخشد و کم می‌کند و چون درختی می‌شود که برگ‌هایش می‌ریزد([[99]](#footnote-99)).

و از این احادیث ثابت شد که مصایب و مشکلاتی که به انسان مؤمن می‌رسد از قبیل مرض، اندوه و حتی خاری که به پایش می‌خلد کفاره گناهان و اشتباهات او می‌گردند.

و آنچه مطلب بالا را با وضاحت بیشتری بیان می‌دارد، حدیثی است که حضرت ابوهریره روایت می کند که حضرت پیامبر ص فرمودند: مردان و زنان مسلمان و مؤمن همیشه در جان، فرزند و مال خویش مورد آزمایش خداوندی قرار می‌گیرند، تا این که به خداوند می‌پیوندند، و برآنان گناهی نیست([[100]](#footnote-100)).

و از حضرت جابر بن عبدالله روایت است که آن حضرت ص پیش ام السائب یا ام المسب رفتند (در حالی که او مریض بود) پرسیدند: ای ام السائب و یا ام المسیب چرا می‌لرزی؟

گفت: تب دارم لا بارك الله فیها.

فرمودند: تب را دشنام مده، زیرا گناهان انسان را از بین می‌برد، آنچنان که دمه آهنگر زنگار آهن را نابود می‌کند([[101]](#footnote-101)).

از حضرت ابوهریره روایت است که آن حضرت ص فرمودند: کسی را که خداوند بر او اراده خیر داشته باشد به مصیبتی مبتلا می‌گرداندش([[102]](#footnote-102)).

و از حضرت عطاء بن ابی رباح / روایت است که حضرت عبدالله بن عباسب به من گفت: آیا تو را زنی از اهل بهشت نشان ندهم؟

گفتم: آری، فرمود: این زن سیاه‌رنگ پیش حضرت پیامبر ص آمد و گفت: من مبتلا به مرض صرع هستم، و بدنم عریان می‌شود، برایم دعا کنید، پیامبر ص فرمودند: اگر می‌خواهی صبر کن، برایت در عوض بهشت است و اگر خواهی از خداوند بخواهم تو را سالم گرداند.

آن زن گفت: صبر می‌کنم، ولی بعضی از بدنم برهنه می‌شود، از خداوند بخواهید که بدنم عریان نشود، آنگاه پیامبر ص برایش دعا کردند که عریان نشود([[103]](#footnote-103)).

و از حضرت انس بن مالک روایت است که من از پیامبر خدا ص شنیدم که فرمودند: خداوند می‌فرماید: هرگاه من بنده مؤمن خود با گرفتن دو چشمش آزمودم و او صبر کرد در عوض آن دو، به وی بهشت می‌دهم([[104]](#footnote-104)).

و از حضرت ابوهریره روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند که خداوند می‌فرماید: هرگاه من از بنده مؤمن خود محبوب او را در دنیا بگیرم، و او خالصانه جهت خشنودی من صبر کند، نزد من برای او جز بهشت پاداشی نیست([[105]](#footnote-105)).

پس در این احادیث بیان شد که مصایبی که در دنیا بر انسان مؤمن می‌آید کفاره گناهان او می‌شود، و مؤمن تا هنگام ملاقات خداوند مبتلا به آزمایشات می‌شود، تا این که بر او گناهی نباشد و این کرم و بخشش خداوند است که مصایب را سبب نابودی گناهان و رفع درجات مؤمنان قرار داده است، اما مصایب وارده، بر کفار و منافقان باعث نابودی آنها و نشانه عذاب و ناراحتی خداوند است.

8- بیهوشی در عالم برزخ

در قرآن و احادیث دلایل بی‌شماری گویای این هستند که بیهوشی عالم برزخ موجب نابودی گناهان می‌شود، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ ٦٨﴾ [الزمر: 68].

«در صوردمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند (بیهوش) می‌شوند و می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود بناگاه همگی بپا می‌خیزند و در انتظار هستند».

و در حدیثی از حضرت عایشه ل روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: قبر فشاردادن و تنگی دارد، و اگر شخصی از آن نجات می‌یافت، لزوماً حضرت سعد بن معاذ از آن رستگار می‌شد([[106]](#footnote-106)).

و در حدیثی دیگر از حضرت ابوسعید روایت است که حضرت رسول اکرم ص در مجلسی تشریف داشتند که مردی یهودی آمد و گفت: ای ابوالقاسم! مردی از یارانت بر صورتم سیلی زده است.

- حضرت پیامبر ص: پرسیدند: چه کسی؟

- گفت: مردی از انصار.

- حضرت پیامبر ص: او را صدا کنید.

- آیا تو او را زده‌ای؟

- بله، من در بازار از او شنیدم که چنین می‌گفت: سوگند به آن ذاتی که حضرت موسی را از میان همه عالمیان برگزید.

- گفتم: مرد پست، او از حضرت محمد ص برتر است؟!.

- و بر او خشمگین شدم و صورتش را سیلی کوبیدم.

- حضرت پیامبر ص: در میان انبیاء شما اظهار و اعلام برتری نکنید، و فرمودند:

مردم در روز قیامت بیهوش می‌شوند، و من اولین کسی هستم که زمین برایم شکافته می‌شود، و چون بلند می‌شوم، حضرت موسی را می‌بینم که پایه‌ای از پایه‌های عرش را گرفته است، ولی نمی‌دانم که آیا او هم بیهوش شده است یا این که با همان بیهوشی اولش (در دنیا) حساب گرفته شده است([[107]](#footnote-107)).

و از این جمله که فرمودند: آیا حضرت موسی بیهوش شده؟

یا این که با بیهوشی دنیا تصفیه حساب شده است، ثابت می‌شود که انسان با بیهوش‌شدن تصفیه حساب می‌شود.

و آنچه در حدیث حضرت انس بن مالک در باره سؤال دو فرشته (منکر و نکیر) در قبر وارد شده([[108]](#footnote-108))، و احادیث دیگر بر این دلالت می‌کنند که در قبر آزمایشات و امتحان‌هایی هست و شاید وسیله کفاره گناهان بشنوند والله أعلم وأحکم.

9- عذاب و شکنجه در میدان محشر

آنچه بیانگر این مطلب است روایتی از حضرت ابوهریره است که حضرت پیامبر ص فرمودند: هر صاحب طلا و نقره که حق آن را در زکات ادا نکند در روز قیامت آن روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است قطعاتی از آتش ساخته می‌شود و پهلو، پشت و پیشانی او را به آن داغ می‌کنند و چون سرد شوند دوباره در آتش جهنم داغ کرده می‌شود تا آن که در میان مردم قضاوت شود، و سرانجام به سوی بهشت و یا حهنم رهسپار گردد.

مردم پرسیدند: یا رسول الله! صاحب شتر چه؟

فرمودند: هر صاحب شتری که حق آن را ادا نکند (و از جمله حقوق دوشیدن آن، روزی که به آب وارد می‌شود) چون روز قیامت شود در میدان فراخی جلوی شتران انداخته می‌شود، در آن حالی که شتر در چاقترین حالت ممکن و تمامی بچه‌هایش است همگی پی در پی و به نوبت وی را پایمال کرده و گاز می‌گیرند و این عمل را در آن روز که به اندازه پنجاه هزار سال است، تکرار می‌کنند تا این که در میان مردم قضاوت شود، و آن مرد سرانجام به بهشت و یا به دوزخ رهسپار می‌گردد.

سؤال شد که، یا رسول الله! در باره گاه و گوسفند چه می‌فرمایید؟

فرمود: هر صاحب گاو و گوسفندی که حقش را نداده است روز قیامت آن روز طولانی که به اندازه پنجاه هزار سال است در میدان وسیعی پیش روی آنان بر صورت انداخته می‌شود که در میان‌شان بی‌شاخ و شکسته‌شاخ وجود دارد و همگی او را با شاخ‌ها می‌زنند و با سمهایشان پایمال می‌کنند، تا این که در میان مردم قضاوت می‌شود، و سرانجام او به بهشت و یا به جهنم رهسپار می‌شود([[109]](#footnote-109)).

در این حدیث از سخنان حضرت پیامبر ص چنین برمی‌آید، روز قیامت آن طلا و نقره‌ای که زکاتش ادا نشده تبدیل به صفحاتی آتشین می‌شوند، و در آن روزی که اندازه‌اش پنجاه هزار سال است، به وسیله آن، پهلو، پشت و پیشانی شخص، داغ کرده می‌شود و تا این که در میان مردم قضاوت شود که سرانجام او به بهشت و یا جهنم رهسپار گردد و صاحب شتر و گاو و گوسفند نیز در این روز طولانی مورد عذاب و شکنجه واقع می‌شود، چنانکه ذکر شد تا این که مسیر و انجامش مشخص می‌شود که آیا آن عذاب و شکنجه‌ای که به او رسیده است، کفاره گناهانش شده است و خداوند او را بخشیده و برای نابودی گناهانش کافی است و یا خیر گناهان دیگری مرتکب شده که به سزای آن عذاب و شکنجه می‌شود. والله أعلم.

10- رحمت خداوند مهربان

خداوند بخشنده و مهربان با رحمت بیکران خویش انسان را مورد رحم قرار می‌دهد، آن رحمتی که آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و نود و نه قسمت آن را اندوخته و ذخیره نموده و یک قسمت آن را بر دنیا ارزانی داشته که به همان رحمت، حیوان پایش را جهت شیردادن بچه‌اش بلند می‌کند، چنانچه در حدیثی از حضرت پیامبر ص نقل شده البته خداوند شمولیت این رحمت را نیز وابسته بر اطاعت و پیروی از حضرت محمد ص قرار داده است.

و حدیث مفصل حضرت ابوسعید خدری که در مورد رویت خداوند در آخرت است بیانگر رحمت خداوند و شفاعت پیامبر ص در روز قیامت است، چنانکه حضرت ابوسعید گفت: اگر مرا تصدیق نمی‌کنید، پس آیه:﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا﴾ [النساء: 40]. را بخوانید. «خداوند به کسی ذره‌ای ستم روا نمی‌دارد، واگر شخصی کار نیکی انجام دهد، آن را چندین برابر می‌گرداند».

و آنگاه که پیامبران و فرشتگان و مؤمنان شفاعت می‌کنند، و خداوند متعال می‌فرماید: رحمت من هنوز باقی است، پس خداوند یک مشت از جهنمیان را با دست خویش می‌گیرد که گروهی سوخته و سیاه شده‌اند، و آنان را در نهر آب حیات جلوی بهشت می‌اندازد تا آن که در دو طرف آن نهر چون دانه‌ای که همراه سیل حمل شود که در کناره صخره و یا درختی می‌روید، و آن قسمتی که زیر آفتاب است سبزرنگ و قسمتی که در سایه است سفید است، می‌رویند، و در آن حالی از نهر خارج می‌شوند که گویا مروارید هستند و بر گردن آنها مهر زده می‌شود، و اهل بهشت می‌گویند: اینها آزادگان خداوند رحمن هستند که وارد بهشت شده‌اند و هیچ عملی انجام نداده‌اند و چیزی پیش نفرستاده‌اند و به آنان گفته می‌شود، آنچه را از بهشت که می‌بینید و یک برابر آن مال شماست([[110]](#footnote-110)).

و از حضرت انس بن مالک روایت است که حضرت پیامبر ص فرمودند: چون روز قیامت برپا شود، انسان‌ها همچون موج خروشان به حرکت درمی‌آیند و پیش حضرت آدم می‌آیند و می‌گویند:

شما پیش پروردگارت برایمان شفاعت کنید، و ایشان می‌فرماید: من توانایی چنین امری را ندارم.

سپس من برای بار چهارم باز می‌آیم و خداوند را با آن تعاریف زیبا ستایش می‌نمایم و سر به سجده می‌نهم سپس گفته می‌شود: ای محمد! سر را از سجده بلند کن و بگوی سخن‌تان شنیده می‌شود، و بخواه که خواسته‌هایت برآورده می‌شود، و سفارش کن که شفاعت تو پذیرفته می‌شود.

آنگاه من می‌گویم: پروردگارا! مرا اجازه دهید تا برای کسانی که لا إله إلا الله گفته‌اند شفاعت کنم، سپس خداوند می‌فرماید: سوگند به عزت، جلال و عظمت و بزرگواریم هرکسی که لا إله إلا الله گفته، حتماً او را از آتش جهنم خارج می‌گردانم.

و در روایتی از صحیح مسلم وارد است که چون حضرت پیامبر اکرم ص گفت: پروردگارا! به من اجازه شفاعت‌نمودن برای گویندگان لا إله إلا الله بدهید، خداوند می‌فرماید: این وظیفه شما نیست و یا بنابر روایتی فرمود: این کار به شما محول نشده است، ولی سوگند به عزت و کبریایی من الخ...([[111]](#footnote-111)).

پس این دو حدیث بر شفاعت و بخشش پروردگار مهربان دلالت می‌کنند.

و از این شگفت‌آورتر حدیث ابوهریره است که گفت: من از حضرت پیامبر ص شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال رحمت خویش را بر صد قسمت تقسیم نموده و نزد خودش 99 % نود و نه درصد رحمت را نگه داشته و فقط یک قسمت از آن برای اهل زمین فرستاده است، و بر اثر همین یک قسمت، مخلوقات بر یکدیگر ترحم و شفقت می‌کنند، و حتی اسب را می‌بینی که هنگام شیردادن کره‌اش پایش را بلند می‌کند، تا این که به آن اصابت نکند([[112]](#footnote-112)).

و مکفرات دیگری نیز وجود دارد که جز خداوند فضیلت و اهمیت آنان را کسی نمی‌داند.

بار الها! ما را به خاطر گناهان ما از فضل، رحمت، پرده‌پوشی، و بخشش خویش محروم نگردان، ای بزرگترین ذاتی که سؤال شدی و مهربانترین بخشندگان تو اهل بخششی و اهل توقی هستی.

وصلى الله تعالى على خير خلقه محمد وآله وصحبه أجمعين

«پایان»

1. - صحیح مسلم کتاب تبه: 4 / 2106. [↑](#footnote-ref-1)
2. - روایة صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مسلم کتاب التوبة ح ش 2747، ج 4 / 214 و قسمتی در بخاری. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مدارج السالکین ابن قیم: 1 / 927. [↑](#footnote-ref-4)
5. - بخاری کتاب الدعوات و کتاب التوحید ح ش 666 مسلم ح ش 2705. [↑](#footnote-ref-5)
6. - حاکم على شرط مسلم و ابوداوود و ترمذی. [↑](#footnote-ref-6)
7. - بخاری کتاب الدعوات 11 98 – 97 ترجمه حدیث: پروردگارا! جز تو معبود نیست، مرا آفریدی، من بنده توام و تا می‌توانم بر عهد و پیمان تو هستم و از کردار زشت خویش به تو پناه می‌آورم، به نعمت‌هایت که بر من انعام کردی اعتراف می‌کنم و بر گناهان خویش اقرار می‌کنم، پس مرا بیآمرز، چون تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد. [↑](#footnote-ref-7)
8. - تفسیر ابن کثیر: 2 / 462. [↑](#footnote-ref-8)
9. - مسند احمد: 5 / 152، ترمذی: 4 / 355، طبرانی در الـمعجم الصغیر: 192 و آلبانی در صحیح الجامع: 1 / 86 شرح 96. [↑](#footnote-ref-9)
10. - صحیح بخاری: کتاب اللباس، صحیح مسلم: کتاب الایمان. [↑](#footnote-ref-10)
11. - سنن ترمذی: کتاب الدعوات 5 / 208 وقال حسن، مسند احمد: 5 / 147، ابن ماجه: کتاب الادیب و ابن حبان آن را صحیح گفته است. [↑](#footnote-ref-11)
12. - صحیح مسلم: کتاب الطهارت 1 / 209 ح ش 232. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح بخاری: 4 / 110، صحیح مسلم: 4 / 2218. [↑](#footnote-ref-13)
14. ()- صحیح مسلم: 1 / 215 ح ش 244. [↑](#footnote-ref-14)
15. - صحیح بخاری، صحیح مسلم: 1 / 25 ح ش 226-229. [↑](#footnote-ref-15)
16. - صحیح مسلم: 1 / 209 ح ش 234. [↑](#footnote-ref-16)
17. - صحیح مسلم: 1 / 219. [↑](#footnote-ref-17)
18. - صحیح مسلم کتاب صلاة ح ش 386. [↑](#footnote-ref-18)
19. - صحیح مسلم ک صلاة ح ش 386. [↑](#footnote-ref-19)
20. - مسند احمد: 2 / 266، ابوداوود 515، نسائی و ابن ماجه صحیح الجامع: 6 / 4. [↑](#footnote-ref-20)
21. - صحیح مسلم: ک مساجد 1 / 467 ح ش 283 صحیح بخاری. [↑](#footnote-ref-21)
22. - صحیح بخاری: ک اذان و صحیح مسلم ک مساجد. [↑](#footnote-ref-22)
23. - اللؤلؤ والـمرجان: 1 / 132. [↑](#footnote-ref-23)
24. ()- الؤلؤ والـمرجان: 1 / 132. [↑](#footnote-ref-24)
25. ()- صحیح مسلم: ک طهارت 1 / 205 ح ش 228. [↑](#footnote-ref-25)
26. - صحیح مسلم: 1 / 207 ح ش 27. [↑](#footnote-ref-26)
27. - اللؤلؤ والـمرجان: 1 / 132. [↑](#footnote-ref-27)
28. - صحیح مسلم: 1 / 209 ح ش 233. [↑](#footnote-ref-28)
29. - صحیح مسلم: ک صلاة. [↑](#footnote-ref-29)
30. - امام خطابی / می‌گوید: مردم در معنی این حدیث اختلاف کرده اند برخی گفته‌اند: آنچه از این کلام ظاهر است هدف تأکید است و در میان الفاظ بنابر اختلاف معانی فرقی نیست، چنانکه می‌گوید: مشی و لم یرکب که هردو به معنی پیاده‌رفتن هستند و اثر یکی از یاران امام احمد / به این نظر دارد، و برخی گفته‌اند: معنی غسل یعنی این که تنها سر را شستن، زیرا عرب هالِمَّه (مویی که تا زیر لاله گوش برسد) داشتند و شستن آن برایشان دشوار بود پس به خاطر آن سر را جداگانه ذکر کرد و این قول مکحول نیز است. و قول اغتسل یعنی تمام بدن را شست. و بعضی از غسل چنین برداشت کرده اند که قبل از رفتن نماز جمعه با همسرش همبستری کند تا بتواند در مسیر راه خودش را بهتر کنترل کند و چشمانش را بیشتر حفاظت نماید و در این مورد از ضرب المثل عرب که می‌گوید: **«مخل غسله إذا کثر الضرب»** استدلال کرده‌اند، والله أعلم عون الـمعبود شرح ابی داود 2 / 9 – مترجم. [↑](#footnote-ref-30)
31. - مسند امام احمد، سنن ترمذی، ابوداوود، نسائی، ابن ماجه، ابن حبان و مستدرک حاکم، صحیح الجامع: 5 / 325. [↑](#footnote-ref-31)
32. - صحیح بخاری: ک جمعه. [↑](#footnote-ref-32)
33. - اللؤلؤ والـمرجان: 1 / 83. [↑](#footnote-ref-33)
34. - صحیح مسلم، ک صلاة. [↑](#footnote-ref-34)
35. - صحیح بخاری: ک صلاة و صحیح مسلم، ک صلاة. [↑](#footnote-ref-35)
36. - صحیح مسلم، ک الصلاة. [↑](#footnote-ref-36)
37. - مرجع سابق. [↑](#footnote-ref-37)
38. - سنن ابن ماجه: ح ش 1424، صحیح الجامع: 5 / 174 و طبرانی آن را صحیح دانسته. [↑](#footnote-ref-38)
39. - مسند احمد، سنن ترمذی، حاکم، بیهقی، صحیح الجامع للالبانی: 4 / 50. [↑](#footnote-ref-39)
40. - روایت احمد، سنن ترمذی، حاکم، بیهقی، صحیح الجامع للالبانی: 4 / 50. [↑](#footnote-ref-40)
41. - مسند احمد: 2 / 176، نسائی، ابن ماجه، صحیح الجامع: 1 / 210. [↑](#footnote-ref-41)
42. - مسند احمد، نسائی، بخاری، حاکم، صحیح الجامع: 5 / 316. [↑](#footnote-ref-42)
43. - صحیح بخاری: ک رقاق 11 / 417 از فتح، صحیح مسلم: ک زکوة 2 / 704. [↑](#footnote-ref-43)
44. - صحیح بخاری: ک مواقیت الصلاة. [↑](#footnote-ref-44)
45. - اللؤلؤ والـمرجان: 2 / 20. [↑](#footnote-ref-45)
46. - مرجع سابق. [↑](#footnote-ref-46)
47. - صحیح بخاری، ک صوم، صحیح مسلم، ک صلاة الـمسافرین. [↑](#footnote-ref-47)
48. - صحیح بخاری: ک صلاة التراویح، مسلم. [↑](#footnote-ref-48)
49. - صحیح مسلم: ک صوم 2 / 819. [↑](#footnote-ref-49)
50. - صحیح مسلم: ک الزکوة 2 / 713. [↑](#footnote-ref-50)
51. - اللؤلؤ والـمرجان: 2 / 76. [↑](#footnote-ref-51)
52. - اللؤلؤ والـمرجان: 2 / 76. [↑](#footnote-ref-52)
53. - صحیح مسلم: ک ایمان 1 / 112. [↑](#footnote-ref-53)
54. - صحیح الجامع: 3 / 30 مسند احمد، نسائی. [↑](#footnote-ref-54)
55. - صحیح الجامع: 5 / 320، ترمذی، ابن حبان، حاکم. [↑](#footnote-ref-55)
56. - مسند احمد: 2 / 89 متن ترمذی ک مناسک، صحیح الجامع: 2 / 239. [↑](#footnote-ref-56)
57. - صحیح مسلم: ک حج ح ش 1348. [↑](#footnote-ref-57)
58. - صحیح مسلم: ک ذکر و دعا. [↑](#footnote-ref-58)
59. - صحیح مسلم: ک علم. [↑](#footnote-ref-59)
60. - بخاری: ک دعوات، مسلم: ص 2069 / 4. [↑](#footnote-ref-60)
61. - اللؤلؤ والـمرجان: 2 / 255. [↑](#footnote-ref-61)
62. -اللؤلؤ والـمرجان: 2 / 257. [↑](#footnote-ref-62)
63. - مسند احمد و کتب سه‌گانه ابن حبان، صحیح الجامع: ح ش 6492. [↑](#footnote-ref-63)
64. - مسلم: ح ش 1885. [↑](#footnote-ref-64)
65. - مسلم/ ح ش 2551، 4 / 1978. [↑](#footnote-ref-65)
66. - صحیح بخاری: 10 / 365، سنن ترمذی، ابوداود. [↑](#footnote-ref-66)
67. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 201. [↑](#footnote-ref-67)
68. - بخاری: 11 / 201، مسلم: 4 / 207. [↑](#footnote-ref-68)
69. - مسلم: ح ش 597. [↑](#footnote-ref-69)
70. - مؤطا امام مالک، صحیح الجامع: ح ش 1102. [↑](#footnote-ref-70)
71. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 324. [↑](#footnote-ref-71)
72. - مسلم: ک المساجد. [↑](#footnote-ref-72)
73. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 324. [↑](#footnote-ref-73)
74. - مسلم: ح ش 2566 (4 / 1988). [↑](#footnote-ref-74)
75. - مسلم: 4 / 2033 – 2033. [↑](#footnote-ref-75)
76. - مسند احمد، نسائی، ابن حبان، صحیح الجامع: 5 / 183. [↑](#footnote-ref-76)
77. - بخاری: ک شرب و ملاقات. [↑](#footnote-ref-77)
78. - بخاری، ک الأنبیا، مسلم، ک الإسلام. [↑](#footnote-ref-78)
79. - مسند احمد: 4 / 289، سنن ترمذی، ابوداوود، ابن ماجه، صحیح الجامع: 5 / 182 ح حسن است. [↑](#footnote-ref-79)
80. - مسلم: ک البر والصلة، 4 / 1987 و عبارت آخر سه بار تکرار شده است. [↑](#footnote-ref-80)
81. - مسند احمد: سنن ترمذی: 3428، ابن ماجه: 2235، حاکم آلبانی آن را حسن دانسته صحیح الجامع: 5 / 288. [↑](#footnote-ref-81)
82. - مسلم: ک ذکر 4 / 2095. [↑](#footnote-ref-82)
83. - مسلم: 4 / 2094. [↑](#footnote-ref-83)
84. - مرجع سابق. [↑](#footnote-ref-84)
85. - تفسیر ابن کثیر: 4 / 71. [↑](#footnote-ref-85)
86. - بخاری، ک جنائز، مسلم، ک زکوة. [↑](#footnote-ref-86)
87. - مسلم: 3 / 1255 ح ش 1631. [↑](#footnote-ref-87)
88. - مسلم: 3 / 1254 ح ش 1630. [↑](#footnote-ref-88)
89. - بخاری: مختصر زبید ص 209. [↑](#footnote-ref-89)
90. - بخاری: ک صوم مختصر الزبید ص 209. [↑](#footnote-ref-90)
91. - بخاری: مختصر الزبید ص 178. [↑](#footnote-ref-91)
92. - بخاری: ک دعوات، مسلم، ک ایمان. [↑](#footnote-ref-92)
93. - بخاری: ک توحید، مسلم، ک ایمان. [↑](#footnote-ref-93)
94. - بخاری: ک اذان. [↑](#footnote-ref-94)
95. - بخاری: ک توحید 13 / 420 – 421. [↑](#footnote-ref-95)
96. - مسلم: 2 / 655. [↑](#footnote-ref-96)
97. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 192. [↑](#footnote-ref-97)
98. - مسلم: ک بر و صله 8 / 15. [↑](#footnote-ref-98)
99. - بخاری: ک مرض، مسلم، ک بر و صله. [↑](#footnote-ref-99)
100. - مستدرک حاکم، ترمذی، مسند احمد، صحیح الجامع: 5 / 191. [↑](#footnote-ref-100)
101. - مسلم: 8 / 15. [↑](#footnote-ref-101)
102. - بخاری: ک مرض، 10 / 103 از فتح. [↑](#footnote-ref-102)
103. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 190. [↑](#footnote-ref-103)
104. - بخاری: ک المرض 10 / 116. [↑](#footnote-ref-104)
105. - بخاری: ک رقاق 11 / 242. [↑](#footnote-ref-105)
106. - مسند امام احمد: 6 / 55، صحیح الجامع: 2 / 236. [↑](#footnote-ref-106)
107. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 118. [↑](#footnote-ref-107)
108. - بخاری: 2 / 232، مسلم: 4 / 2202. [↑](#footnote-ref-108)
109. - مسلم: ک زکوة 2 / 680 – 681. [↑](#footnote-ref-109)
110. - بخاری: ک توحید، مسم، ک ایمان. [↑](#footnote-ref-110)
111. - مسلم: ک ایمان، 1 / 183 – 184، بخاری. [↑](#footnote-ref-111)
112. - اللؤلؤ والـمرجان: 3 / 420. [↑](#footnote-ref-112)